

نشریات ویژه زنان

سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر

صدیقه بیران

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

سرشناسه	بیران، صدیقه
عنوان و نام پدیدآور	نشریات ویژه زنان در ایران معاصر / تحقیق و نگارش: صدیقه بیران
مشخصات نشر	تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری	۲۶۸ صفحه. مصور
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۶۷ - ۲۶۸
موضوع	زنان - ایران - نشریات ادواری - تاریخ. ۲- زنان - ایران -- نشریات ادواری - کتابشناسی. ۳. نشریات ادواری فارسی - ایران. الف. عنوان. ب. عنوان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر.
رده‌بندی کنگره	۵ ن ۲ ب / ۱۱۰۴ HQ
رده‌بندی دیویدی	۳۰۵/۴۲۰۹۵۵۰۵
کتابخانه ملی ایران	۴۹۰۶۹ - ۸۱ م

نشریات ویژه زنان

گردآورنده صدیقه بیران
نوبت چاپ و تاریخ: دوم ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰ جلد
چاپ و صحافی: گرافیک مان
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان تلفاکس: ۸۸۷۲۳۹۳۹ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۱۶۳۹۱
آدرس: تهران، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، میدان فرهنگ، خیابان سی‌وسوم، نیش
خیابان آماج، پلاک ۲۱، طبقه همکف واحد ۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۱۷
پست الکترونیک: roshangaran68@gmail.com

مراکز پخش و فروش: ۱- شبکه پستی و سایت تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱ - roshangarn-pub.ir
۲- پخش ققنوس: تلفن ۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰
۳- پخش گزیده: تلفن ۶۶۴۰۰۹۸۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۵۱-۶۶-۰
978-964-6751-66-0

تقدیم به:

وجود سبز مادرم به پاس زحمات بی دریغش

و به:

روح پرفتح پدرم که در انتظار چاپ این نوشتار بود

این تحقیق به انجام نمی‌رسید مگر با راهنمایی و همکاری عده‌ای از اساتید محترم و دوستان.

برخود می‌دانم که از راهنمایی‌های استاد گرامی جناب آقای دکتر علی اکبر فرهنگی و سرکار خانم شهلا لاهیجی تشکر نمایم و از همکاری خانم‌ها شهره صاحبی و آمنه اخوان دانشجویان رشته علوم ارتباطات که در امر گردآوری مطالب مرا یاری دادند، سپاسگزاری نمایم.

تقدیم به:

وجود سبز مادرم به پاس زحمات بی دریغش

و به:

روح پرفتوح پدرم که در انتظار چاپ این نوشتار بود

این تحقیق به انجام نمی‌رسید مگر با راهنمایی و همکاری عده‌ای از اساتید محترم و دوستان.

برخود می‌دانم که از راهنمایی‌های استاد گرامی جناب آقای دکتر علی اکبر فرهنگی و سرکار خانم شهلا لاهیجی تشکر نمایم و از همکاری خانم‌ها شهره صاحبی و آمنه اخوان دانشجویان رشته علوم ارتباطات که در امر گردآوری مطالب مرا یاری دادند، سپاسگزاری نمایم.

فهرست

۷.....	سخنی با خواننده.....
۱۱.....	پیشگفتار دکتر علی اکبر فرهنگی.....
۱۵.....	پیشگفتار مؤلف.....
۱۷.....	بخش اول: سیمای زن ایرانی در گردونه‌ی ادوار.....
۱۷.....	زن در ایران باستان.....
۱۸.....	زن و مشروطیت.....
۱۹.....	تأثیر انقلاب مشروطیت در بیداری زنان.....
۲۳.....	زن و تاریخ معاصر.....
۲۳.....	زن و انقلاب اسلامی.....
۲۷.....	بخش دوم: روزنامه‌نگاری و زنان در ایران.....
۳۱.....	بخش سوم: نشریات تخصصی زنان در تاریخ ایران.....
۳۲.....	دوره‌ی اول - نشریات زنان از اولین جریده تا آغاز مشروطیت.....
۳۳.....	دوره‌ی دوم - از اعلام مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹.....
	دوره‌ی سوم - از کودتای ۱۲۹۹ تا پایان حکومت رضاشاه ۱۳۲۰.....
۵۶.....	(دوره پهلوی اول).....
۹۱.....	دوره‌ی چهارم - از ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش.....
۱۲۰.....	دوره‌ی پنجم - از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.....
۱۲۶.....	دوره‌ی ششم - از پانزده خرداد ۱۳۴۲ تا اوجگیری انقلاب اسلامی ایران.....

دوره ی هفتم - از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا شروع جنگ عراق ۱۳۶۰ . ۱۴۰
دوره ی هشتم - از ابتدای جنگ ۱۳۶۰ تا پایان جنگ ۱۳۶۷ ۱۶۹
دوره ی نهم - از پایان جنگ ایران و عراق در ۱۳۶۸ تا خرداد ۷۶ ۱۷۹
دوره ی دهم - از آغاز دوره اصلاحات ۱۳۷۶ تا امروز (۱۳۸۰) و چند نشریه دیگر (۱۳۸۱) ۲۱۳
منابع و مآخذ ۲۶۷

سخنی با خواننده

اثری که پیش رو دارید، چهارمین کتاب چاپ اول از مجموعه کتابهای بخش مطالعات زنان است که انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در سال جاری به انتشار آن اقدام کرده است. انگیزه ناشر در چاپ این اثر به دلیل نقش مهم و انکارناپذیری است که مطبوعات در سیر تحولات سیاسی-اجتماعی جهان ما بر عهده داشته‌اند.

اگر قرن بیست و یکم را که دو سال و اندی بیش نیست بر آن پا نهاده‌ایم، قرن تنوع و تکثر رسانه‌ها و عصر اطلاعات نام نهاده‌اند، نباید از یاد ببریم که برای بیش از یک قرن و نیم، بار این مهم بر دوش مطبوعات بوده و اختراع ماشین چاپ بیشتر از آن که به در دسترس همگان قرار دادن کتاب کمک کرده باشد، به جهانی کردن اخبار و اطلاعات از طریق مطبوعات یاری رسانده است. علاوه بر اطلاع‌رسانی، رسالت مهم دیگر مطبوعات بیان افکار و نظرات نوین و تبلیغ اندیشه‌ها و جریانهای فکری، در سطوح گسترده و قابل دستیابی برای عموم بوده است. و باز از این فراتر، نگاه نقادانه مطبوعات به رویدادها و مسایل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چه در روزمره‌گی و چه به صورت کلان، نویسندگان و تحلیل‌گران مطبوعات را به مقام «وجدان بیدار جامعه» ارتقا داده است.

شاید از همین رو، یکی از معیارهای سنجش آزادی در جوامع بشری در سراسر جهان، میزان آزادی مطبوعات است. و باز شاید به همین دلیل، هر

حزب، گروه و یا جریان فکری به محض آن که شکل گرفته و یا حتی هسته اولیه آن نطفه بسته است، به عنوان اولین گُشش عملی، به انتشار نشریه یا خبرنامه یا بولتن داخلی اقدام کرده است.

امروزه نیز به رغم وجود هزارها کانال تلویزیونی و ده ها هزار ایستگاه رادیویی و حضور ماهواره ها و رسانه ها الکترونیک نظیر اینترنت و ... بیشتر مردم جهان به ویژه در کشورهای پیشرفته، صبح خود را با خواندن روزنامه آغاز می کنند.

جنبش زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر به تاریخچه مبارزات زنان جهان برای کسب حقوق انسانی و رفع تبعیضات جنسیتی بنگریم، در می یابیم که در هر جاکه این حرکت شکل گرفته، حتی در مراحل آغازین، اولین اقدام، انتشار نشریه برای بیان مسایل و موانع و همچنین شناساندن اهداف و آرمانهای آتی بوده است.

اما در کشور ما، خبر و اطلاع رسانی قصه دیگری دارد. اینجا از دیرباز سرزمین فرهنگ شفاهی و شنیداری است. علاوه بر این، ساختار حکومتی به دلیل جدایی از مردم، پیوسته بنابراین داشته که بی خبری و فقدان آگاهی از تبلیغ کند و گسترش دهد تا مبادا مردم دریابند که آن چه بر آنان می گذرد، سرنوشت محتوم و بر پیشانی نوشته شده نیست و از طاعت سرباز زنند و سالاران قدرت را از آرایکه به زیر کشند. بر همین مدار و روال، نه اخبار که احکام از سوی حاکمان توسط جارچیان بر محکومان که همان مردم باشند، ابلاغ می شد. این احکام (و نه اخبار) همیشه چیزی از مردم می ستاند و نه آن که حقی و یا بشراتی داده باشد. جالب آن که اولین روزنامه خبری نیز برخلاف سایر نقاط جهان نه در مطبعه مردمی و به دست مردم که در دیوان خانه حکومتی و از سوی مقامات حاکمه انتشار یافت (وقایع اتفاقیه)

با توجه به چنین وضعیت و موقعیتی که بر جامعه مستولی بود، شاید بهتر بتوان به اهمیت و عظمت انتشار اولین نشریات ویژه زنان پی برد. بی شک زنانی

که جان و هستی خود را به قمار گذاشتند و خطر آگاه کردن زنان را پذیرا شدند و بار چنین رسالتی را بر دوش کشیدند، حقی بزرگ به گردن زن و مرد ایرانی دارند. در جامعه‌ای که زنان جایی جز اندرونی‌های بسته و زندانهای خانگی نداشتند و با سواد بودن گناه و خلاف محسوب می‌شد، در کشوری که حتی انقلاب مشروطه‌اش هم برای زنان دستاوردی نداشت و آنان را یعنی نیمی از پیکر جامعه را نادیده گرفت و در کنار جانیان و سفیهان و مجانبین و ورشکستگان به تقصیر از حقوق سیاسی و مدنی محروم کرد و صدای اعتراضی هم برنخواست، زنان دریادلی که برای اولین بار به شرح مصائب و کمبودها و رنج‌های زنان پرداختند، خود، قهرمانان واقعی و ملی ما بودند که با سلاح قلم به جنگ دیواندانی و عقب‌ماندگی رفتند و راه نابودی تلاش برای احقاق حقوق نداشته‌ی زن ایرانی را - اگر چه ناهموار - ساختند تا دیگران گشاده و هموارش سازند.

جا دارد که این شیر زنان را بشناسیم، نامشان و یادشان را گرامی داریم و تلاششان را ارج نهیم.

کتاب حاضر که به کوشش خانم صدیقه بیران فراهم آمده، در چنین راستایی جمع‌آوری و تالیف شده و تلاشی در جهت معرفی نشریات ویژه زنان از نخستین آن تا امروز است. لازم به یادآوری است که این اثر در آغاز پایان‌نامه فوق‌لیسانس نویسنده بود و ناشر تبدیل آن را به کتاب با افزوده‌هایی به نویسنده پیشنهاد کرد و با صبوری تاخیرها و وقفه‌های مراحل آماده‌سازی کتاب را که به دلیل مشغله‌ها و سفرهای متعدد نویسنده پیش آمد پذیرا شد تا عاقبت این مهم به انجام رسید انتشارات روشنگران و مطالعات زنان از خانم صدیقه بیران برای تالیف این کتاب مهم و همکاری صمیمانه‌شان با ناشر سپاسگزار است.

گفتاری از:

دکتر علی اکبر فرهنگی

(استاد و مدیر گروه مدیریت رسانه‌ای دانشگاه تهران)

بانوان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه بخش مهمی از بار توسعه را بر دوش داشته و با حمل آن، وجود کارساز خود را در کنار برادران خویش به اثبات رسانده و سعی در به راستی رساندن هستی خویش دارند. در ایفای این نقش ارزنده بی‌شک اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با دستیابی به هنگام و درست آن، آنان با آمادگی نسبی وارد عرصه شده و رسالت خود را بهتر انجام خواهند داد. جریان مداوم و مستمر و درست اطلاعات بی‌شک در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و عاری از تعصب بسیار مؤثر بوده، شرایطی را فراهم می‌آورد که شهروندانی توانا و عالم در برابر مشکلات برخاسته از توسعه و دگرگونی‌های اجتماعی قد علم نموده و جهان خویش را با تدبیر بی‌نظیر بسازند. جامعه ایران در رویارویی با نوگرایی و نوسازی، از همان آغاز با چالشی محسوس روبرو بوده است. نیمی از جامعه را که زنان شکل می‌دادند بر اساس ساختار تاریخی که کمتر در فعالیتهای روشنفکری و سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و بیشتر نقش سنتی خود را که همانا تمشیت امور در خانه بود مورد عنایت قرار داده بود. در دوره‌ای که جهان به سرعت به سوی نوگرایی و نوسازی تاخته و هر روز از تمام نیروی خود برای ارتقاء و تعالی سود می‌برده است، زنان، در کنج خانه‌ها و پستوها عمر گرانبهای سپری می‌کردند و یارای ورود به صحنه‌های اجتماعی را آنگونه که باید و شاید نداشتند. این خسران بزرگی در راه توسعه

بوده و جامعه را در تنگنای روابط اجتماعی برخاسته از تمدن و تجدد قرار داده است.

متأسفانه خیزش بانوان در جهت رسیدن به حقوق مدنی و اجتماعی و فرهنگی، پس از بیداری اندک آنان، همواره با دو جریان افراطی ناسالم روبرو بوده که هر کدام به نوعی آنها را مسیر منحرف و شرایط را دشوارتر می‌کرده است. از یکسو تعصب کورکورانه اجتماعی و سیاسی که زن را مستوره و پرده‌نشین قلمداد نموده و از ورود او به عرصه فعالیت‌های اجتماعی به شدت جلوگیری می‌نمود و از سویی دیگر جریانی درست برخلاف پیشین، که زن را به نوعی در تقابل و روبرویی با مردان جامعه فراخوانده و در شکل‌دهی رفتاری او نوعی تهاجم و تزام را در برابر پدران و برادران خود توصیه نموده بود. حاصل هر دو رویکرد در نهایت به زیان زن و ورود او به فعالیت‌های سالم اجتماعی و سیاسی جامعه شده است. از یکطرف شیوع رفتارهای تند تعصب زده و دور از منطق و گاه قهرآمیز و راندن زن به گوشه انزوای خویش و پذیرش مفهوم شهروند درجه ۲ در جامعه و از سویی دیگر سرکشی و عصیان و درگیری و صرف انرژی و توان خود در جنگی بیهوده و بی‌حاصل. این کشاکش هنوز هم به نوعی در جامعه ما مشاهده شده و به نوعی در اذهان مردان و زنان هر دو موجود است.

خروج از این وضعیت جز با درایت و برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی در مورد زنان و نقش آنان در تطور اجتماعی، شدنی نیست. و در این میان بی‌شک، زنان، به ویژه زنان فرهیخته و اهل قلم، رسالتی انکارناپذیر دارند و آنان می‌توانند با نوشتن و طرح متصفانه مسأله به حل آن کمک نمایند.

زنان روزنامه‌نگار در ایران، هرچند تعدادشان اندک و ورودشان به عرصه اجتماعی بسیار دیر بوده است، اما می‌توانند به سرعت این خلاء را پر کرده و با تلاش مجدانه خود زمینه را برای ایفای بهتر نقش اجتماعی خویش فراهم آورند. آنچه که در این راستا لازم است مورد توجه قرار گیرد، آن‌که، پا از حدود اعتدال و عقلانیت سازنده فراتر ننهاد و تلاش و توان خود و نیز امکانات حاصل شده را

به بیراه نکشانده و در مراعات بی حاصل انتقامجویی - به شیوه‌ای که برخی از زنان بعضی از جوامع غربی بدان کشیده شدند - و تلافی طلبی و نیز افراطی‌گری «زن سالاری» یا فمینیستی وارد نگردند که حاصلی جز باد نخواهد داشت.

سرکار خانم دکتر صدیقه بیران که از زنان فرهیخته و دانش‌آموخته روزنامه‌نگاری و ارتباطات می‌باشند و سالها در مطبوعات فارسی زبان و انگلیسی زبان قلم زده‌اند به خوبی از عهده طرح این مسأله برآمده با دیده‌ای موشکافانه و روشی محققانه مسأله نشریات ویژه بانوان و سیر اندیشه‌های زنان روزنامه‌نگار را در این کشور در ادوار مختلف به داوری نشسته‌اند. جای چنین اثری در عرصه ادبیات روزنامه‌نگاری و ارتباطات و حتی علوم اجتماعی به معنی عام کلمه خالی بوده است. این اثر به زنان روزنامه‌نگار جوان، و دانشجویان بانوی روزنامه‌نگاری این امید را می‌دهد که به زودی بتوانند با تلاش و اندیشه و حرکتی مدبرانه و راهبردی جایگاه ویژه خود را بدست آورده و در شکل‌دهی جامعه فرانوگرای ایرانی نقش ارزنده‌ای ایفا نمایند و در کنار برادران خود جایگاهی شایسته برای خود بدست آورند.

دکتر علی‌اکبر فرهنگی

بهمن ۱۳۸۱

پیشگفتار مؤلف

«امروز این حقیقت انکارناپذیر است که تاریخ جهان عموماً و تاریخ ایران خصوصاً، تاریخی مذکر است؛ تاریخی است که در آن «مردان» بوجود آورنده ماجراها، سازندگان تاریخ، هدایت‌کنندگان آن و حتی خود نویسندگان شرح رویدادها نیز بوده‌اند. پس شگفت‌آور نیست اگر در چنین تاریخی از زن و نقش سازنده و آفریننده او اثری نیابیم»^۱

البته وقتی با تأمل به این جریان بنگریم به روشنی متوجه این حقیقت می‌شویم که بخش عمده‌ای از قصوری که در حق زنان ما شده و اسباب عدم شناخت واقعی آن‌ها و جایگاهشان را در اجتماع فراهم آورده است، به‌خاطر اهمال و بی‌توجهی زنان نسبت به خودشان بوده است.

در مورد زنان جامعه خودمان متأسفانه دو جریان را تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌ایم که هر دوی آن‌ها به تخریب هویت زن کمک کرده‌اند:

یک جریان در دوره‌ی ایران قاجار شکل گرفت.

زنی که در شرایط سنت‌های متحجر و ارتجاعی حضور پیدا می‌کرد، دو مشخصه داشت: جهل و بی‌پناهی.

بی‌پناهی از آن حیث که هیچ‌گونه عامل اتکابی برای بقای خودش نداشت. ما شاهد زنانی هستیم بدون تکیه‌گاه و بدون آگاهی که نمونه‌هایی از آنان را به کرات

۱. شیخ الاسلامی، پری. زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران.

در ادبیات مان و حتی در آثار فلسفی و سیاسی مان می‌بینیم.

زن در این جا موجودی است به حاشیه رانده شده، عقب مانده، بدون هویت و خارج از حوزه تصمیم‌گیری.

جریان بعدی در دوران پهلوی اتفاق افتاد. در این مرحله هم شاهدیم که قرار است زن از آن انزوا و فراموشی بیرون بیاید، ولی به شکل دیگری از ارزش‌ها و هویت‌های انسانی خود فاصله گرفت.

یک طرف در بینش تحجرگرایانه سنتی، زن انکار شد و یک طرف در بینش غرب‌گرایانه مدرن، تحریف شد. اگرچه با ورود به دوره پس از انقلاب اسلامی هویت واقعی او تا حد زیادی احیا شد اما هنوز هم ما شاهد بقایای این بینش تا به امروز در جامعه خودمان هستیم.

اساسی‌ترین عنصری را که باید برای از میان برداشتن این دو مانع تقویت کنیم، این است که زنها باور کنند که می‌توانند با کسب هویت خودشان و استقلال شخصیت‌شان در جامعه، در موضع تصمیم‌گیری قرار گیرند.

مهم‌ترین وسیله در راه رسیدن به این هدف مهم بهره‌گیری مطلوب از رسانه‌ها، از جمله مطبوعات به طور اعم، و مطبوعات خاص زنان به طور اخص می‌باشد.

زنان روزنامه‌نگار کشور ما می‌توانستند و می‌توانند نقش بسزایی در روشننگری تاریخ زنان ایرانی داشته باشند و اگر تاکنون نقش و جایگاه زنان ایرانی آن‌چنان که باید در جامعه تبیین نشده است، تا حد زیادی مسئولیت آن برعهده‌ی زنان روزنامه‌نگار ماست.

براین باوریم، پژوهش حاضر با نگرشی در تاریخ این بخش از رسانه‌های کشور، شاید بتواند با ارائه تصویری از نشریات ویژه زنان در مقاطع تاریخی، و ارزیابی توانمندی‌ها و بازنگری کمبودها و کاستیها و آسیب‌شناسی آنها، زمینه مناسب را جهت اصلاح ساختار و عرضه بهتر تازه واردان این عرصه فراهم آورد.

صدیقه پیران

زمستان ۸۱